تحلیل

محمد اسماعیلی

مواضع زیگزاکی شخصیت‌ها و رسانه‌های تجدیدنظرطلب در باب «حمایت» یا «عبور» از روحانی در بهار ۹۶

تجدیدنظرطلبان در چنبره «تردید و تناقض»

«حمایت» یا «عدول» از حسن روحانی یکی از چالش‌های پیش روی جریان تجدیدنظرطلب در آوردگاه پیش روی انتخابات است و باید گفت هنوز رهبران و شخصیت‌های برجسته این طیف سیاسی به یک تصمیم واحد و مشترک در این باره نرسیده‌اند.

هر چند گروه خاصی از جریان مدعی اصلاح‌طلبی معتقدند برای ادامه حیات سیاسی خود باید نامزدی مستقل را برای انتخابات ۹۶ معرفی کنند چرا که روحیه سرخوردگی در میان بدنه اجتماعی این طیف در حال افزایش بوده، آن هم به این دلیل عمده که زیر سایه حسن روحانی قرار گرفتن به افول پایگاه اجتماعی این جریان انجامیده و دوری رسمی آنها را از قدرت به بیش از یک دهه افزایش داده است اما هستند دسته دیگری از وابستگان به این جریان که معتقدند به رغم آنکه احتمال رأی‌آوری و حتی کاندیداتوری حسن روحانی در انتخابات پیش رو بسیار کم است اما با این حال باید از کاندیداتوری وی حمایت ویژه کرد.

آنچه مبرهن است این مسئله است که جماعت تجدیدنظرطلب به خوبی می‌داند موانع هشت ساله شدن دولت روحانی متفاوت و متعدد است و از جمله آن افزایش تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران به‌رغم کوتاه آمدن دولت در برابر زیاده خواهی غرب بوده و از سوی دیگر فقدان مدیریت کارآمد دولت در برآورده کردن شعارهای انتخاباتی سال ۹۲ نیز یکی دیگر از عوامل رویگردانی احتمالی از حسن روحانی به شمار می‌رود؛ شعارهایی که بر اساس آن انتظار بود دولت تدبیر و امید به اوضاع بیکاری، گرانی و تورم و معیشت مردم سروسامان دهد.

به هر روی سردرگمی و بلاتکلیفی حداقل در بخش‌هایی از جماعت تجدیدنظرطلب قابل رؤیت است که مصداق آن تیترها و جهت‌گیری برخی رسانه‌های وابسته به این طیف در روز گذشته است.

روزنامه آفتاب‌یزد روز گذشته از قول تابش تیتر «ممکن است روحانی در برابر هجمه‌ها طاقت نیاورد و رها کند» را برجسته کرده و در ادامه می‌نویسد: «تابش با اشاره به احتمال معرفی گزینه‌های جایگزین برای انتخابات ریاست‌جمهوری و احتمال نامزدی برخی اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست‌جمهوری بهار سال آینده، اعلام کرد: با این حساب پیش‌بینی شخصی بنده این است که اصلاح‌طلبان در نهایت گزینه‌ای جز روحانی معرفی نکنند و یکپارچه از رئیس‌جمهور حمایت کنند اما در عین حال باید جانب احتیاط را هم رعایت کنید. طی مدت اخیر جنگ روانی شدیدی علیه آقای روحانی به‌راه افتاده که هدفش انصراف رئیس‌جمهور از کاندیداتوری است و این درحالی است که نمی‌دانیم مقاومت و استقامت ایشان چقدر است، به هر حال ممکن است آقای روحانی در برابر این هجمه‌ها دوام نیاورد و عطای ریاست‌جمهوری را به لقایش ببخشد، بماند که ما خواستار تداوم حضور روحانی هستیم.»

روزنامه ابتکار نیز تیتر یک خود را به همین مسئله اختصاص داده و با درج تیتر «چند کاندیدای خوب یا بد؟» نوشته است: «در شرایطی که بسیاری از کارشناسان، شانس روحانی را برای حضور مجدد در پاستور بسیار بالا می‌دانند، بر اساس شنیده‌ها، یکی از تاکتیک‌های در دست بررسی اصولگرایان برای مقابله با روحانی، معرفی کاندیداهای چندگانه با ویژگی‌های مختلف برای کسب پایگاه رأی وی در گروه‌های مختلف جامعه‌است.

تعدادی از کارشناسان سیاسی با اشاره به درگذشت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی که مخالفان دولت از آن به عنوان عاملی برای به هم‌ریختگی اصلاح‌طلبان یاد کرده‌اند، معتقدند این اتفاق نه تنها موجب شکست این جناح که روی کاندیداتوری روحانی به اجماع رسیده‌اند و هیچ‌گاه هم از این تصمیم خود برنگشته‌اند، نمی‌شود بلکه روح بلند معتدل وی موفقیت اصلاح‌طلبان را در انتخابات آتی تضمین خواهد کرد.»

آرمان روزنامه خانوادگی مرحوم هاشمی‌رفسنجانی نیز تیتر یک خود را به همین موضوع اختصاص داده: «مخالفان دنبال منصرف کردن روحانی‌اند» و با اشاره به اینکه احتمال کناره‌گیری حسن روحانی از انتخابات پیش رو وجود دارد، نوشته است: «باتوجه به نزدیک شدن انتخابات ۹۶، عده‌ای از مخالفان و رقبای حسن روحانی اقدام به جوسازی‌های رسانه‌ای علیه او کرده‌اند. این جنگ روانی تا جایی پیش رفته است که برخی مخالفان دولت خواهان انصراف روحانی از کاندیداتوری شده‌اند و نیز عده‌ای از احتمال ردصلاحیت روحانی سخن می‌گویند.»

چالش‌های پیش روی مورد توجه تجدیدنظرطلبان درباره حسن روحانی نیز مورد توجه بسیاری از رسانه‌های بین‌المللی نیز قرار گرفته است، به گونه‌ای که شینهوا مشهورترین خبرگزاری چین با تأکید براینکه «ایرانی‌ها همچنان منتظر تحقق وعده‌های روحانی و کاهش نرخ بالای بیکاری هستند» پیروزی حسن روحانی در انتخابات پیش رو را دور از ذهن می‌داند و ادامه می‌دهد: «افکار عمومی به دنبال پاسخ به این پرسش هستند که چگونه مهار تورم و رکود اقتصادی مشکل بیکاری را که نرخ آن از حدود ۱۰/۸ درصد به ۱۲ درصد پس از توافق هسته‌ای افزایش یافته، حل می‌کند. او باید با نظام دیوان‌سالاری ادارات برای ارتقای شفافیت کاری و ممانعت از بروز فساد و پرداخت‌های مالی دولتی مقابله کند. دیگر چالش‌های حسن روحانی از دید تحلیلگران داخلی نحوه عقد قراردادهای جدید نفتی برای جلب سرمایه‌گذاران خارجی است و در این مسیر ایران باید صادرات نفت خام خود را به ۶ میلیون بشکه در روز برساند.»

این رسانه همچنین می‌افزاید: «جدای از این موارد، بیشتر ایرانی‌ها بر این باورند که مشکلات در مسیر تراکنش مالی با بانک‌های بین‌المللی بعد از برجام به خاطر فشار امریکا همچنان باقی است.»

المانیتور نیز دیدگاه مشابهی را در مورد وضعیت حسن روحانی در انتخابات ۹۶ مطرح می‌کند: «گزارش ماه گذشته اداره آمار ایران نشان می‌دهد از ۲۱ مارس ۲۰۱۴ تا ۲۰ مارس ۲۰۱۵ نابرابری در ایران افزایش یافته است... چنین اخباری برای «حسن روحانی» رئیس‌جمهور ایران که برنامه اصلاحات اقتصادی وی از سوی مخالفان سیاسی‌اش به دلیل آنکه در بهبود زندگی اقشار ایرانیان شکست خورده و مورد انتقاد قرار دارد، خبری ناخوشایند است.»

تفکر حاکم بر دسته نخست جریان تجدیدنظرطلب در مورد حمایت کردن از حسن روحانی مشابهت فراوانی با رسانه‌های بین‌المللی مانند المانیتور و شینهوا دارد، به عنوان نمونه یکی از اعضای شورای مرکزی حزب کارگزاران بیان می‌کند: «برآیند من از وضعیت جریان اصلاحات خوب است اما معتقدم روحانی یک رقیب بزرگ دارد و آن عملکرد خود دولت است. فراموش نکنیم مردم ما حزبی تمام‌عیار نیستند و عملکرد را می‌بینند.»

محمد عطریانفر نیز تلویحاً اشاره می‌کند که حسن روحانی انگیزه کافی برای حضور در انتخابات را ندارد: «به‌نظر می‌رسد اراده‌ای که آقای هاشمی را در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ از انتخابات باز داشت، به دنبال حذف آقای روحانی از صحنه مدیریت سیاسی کشور و یک‌دوره‌ای کردن دولت ایشان است. در ماجرای حذف آیت‌الله هاشمی در انتخابات آنها عنوان می‌کردند به مصلحت ملی نیست که ایشان در انتخابات حضور داشته باشد. در شرایط کنونی این اراده به دنبال این است که به هر شکل ممکن آقای روحانی را از حضور در انتخابات باز دارد. این اراده به دنبال حذف آقای روحانی از مراودات متعارف سیاسی نیست بلکه به مراوداتی فراتر از مراودات متعارف فضای سیاسی کشور دل بسته است.»

آنچه می‌توان از جهت‌گیری رسانه‌های داخلی و بین‌المللی درک کرد، این است که آمدن یا نیامدن حسن روحانی در انتخابات هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و اینگونه گمانه‌زنی‌ها پس از آن شیب تند به خود گرفت که دستاوردهای وعده داده شده برجام یکی پس از دیگری به واقعیت نزدیک نشد و حتی رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه نیز به نقض برجام و فاقد دستاورد بودن آن به صورت صریح و تلویحی اشاره کردند که بسیاری این جهت‌گیری دولتمردان را به معنای پذیرش شکست زودهنگام انتخاباتی و حتی بی‌رغبت بودن رئیس‌جمهوری فعلی برای حضور در آوردگاه ۹۶ ارزیابی کرده‌اند. به بیان بهتر ناامیدی تجدیدنظرطلبان به موفقیت حسن روحانی در انتخابات پیش رو از زمانی شکل بیرونی به خود گرفت که برجام توسط امریکا به دفعات نقض و به واسطه آن مهم‌ترین برگ برنده حسن روحانی در انتخابات ۹۲ سوخت و به همین دلیل است که امروز شک، تردید و دوگانگی را می‌توان در مواضع شخصیت‌های سیاسی مدعیان اصلاح‌طلبی و رسانه‌های پرشمار آنها به راحتی مشاهده کرد.

کوتاه

آغاز عملیات اجرایی ۲ نیروگاه در بوشهر با حضور روس‌ها

رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس گفت: ایران و روسیه عملیات اجرایی دو نیروگاه ۲ هزار مگاواتی در بوشهر را آغاز کردند.

علاءالدین بروجردی در گفت‌وگو با خانه ملت، با اشاره به تلاش سازمان انرژی اتمی برای ورود ۱۴۹ تن کیک زرد به کشور در فضای بدعهدی دراجرای برجام، اظهار داشت: به این نکته مهم توجه داشته باشیم که بدعهدی امریکا به معنی بدعهدی دیگر کشورهای امضا کننده توافق هسته‌ای نیست، آنها به تعهدات خود پایبند هستند. وی با اشاره به اینکه سازمان انرژی اتمی در این فضا توانسته به تعهدات خود در برجام از جمله ورود کیک زرد عمل کند، گفت: تا جایی که مطلع هستم سازمان انرژی اتمی در تمام ابعاد مسئولیتی خود اقداماتی انجام داده است و شاهد همکاری‌های فنی و علمی در زمینه هسته‌ای نیز هستیم. بروجردی توضیح داد: باید عنوان کرد در همکاری فنی و علمی براساس گزارش‌های ارائه شده، وضعیت مطلوبی داریم، ضمن اینکه با روس‌ها عملیاتی اجرایی دو نیروگاه ۲ هزار مگاواتی در بوشهر را آغاز کرده‌ایم. رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: معتقد هستیم فضا برای همکاری‌ها بین جمهوری اسلامی و کشورهای دارای دانش هسته‌ای نسبت به قبل بسیار بهتر شده است و عملاً امریکا بخواهد در مسیر بدعهدی حرکت کند، بازنده اصلی خواهد بود.

جدیدترین خبرها از بررسی پرونده تحصیلی «فریدون»

عضو کمیته بررسی پرونده تحصیلی حسین فریدون در مجلس گفت: گزارش نهایی این پرونده تا دو هفته دیگر تدوین می‌شود.

سیدجواد ابطحی در گفت‌وگو با تسنیم، با اشاره به روند بررسی این پرونده، گفت: کمیته سه نفره درباره این پرونده یک‌بار تشکیل و مکاتبات لازم با وزارت علوم انجام شده است. وی افزود: قرار است در هفته جاری نیز مدارک و اطلاعاتی که درباره تحصیل فریدون از دستگاه‌های ذیربط تقاضا کرده‌ایم به دست کمیته برسد. همچنین مقرر شده اعضای کمیته مصاحبه‌هایی را با برخی از افراد درباره پرونده تحصیلی فریدون انجام دهند. عضو کمیته سه نفره بررسی پرونده تحصیلی حسین فریدون در مجلس، گفت: براساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده، اعضای کمیته قرار است نشستی را با رئیس و مسئولان وقت دانشگاه شهید بهشتی و در صورت لزوم نشستی نیز با آقای حسین فریدون داشته باشند. ابطحی با بیان اینکه اعضای کمیته منتظر هستند تا وزارت علوم مستندات را ارائه دهد، تصریح کرد: اعضای کمیته نیز از دستگاه‌های ذیربط خواسته‌اند در مورد پرونده تحصیل حسین فریدون گزارش‌ها و مستندات خود را ارائه دهند که تا چند روز آینده قرار است این مستندات به کمیته وصول شود. وی با بیان اینکه گزارش نهایی درباره پرونده تحصیلی برادر رئیس‌جمهور تا دو هفته دیگر تدوین می‌شود، گفت: گزارش نهایی در این باره ابتدا به کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس و سپس به هیئت‌رئیسه پارلمان ارائه می‌شود.

گزارش ۲ | کبری آسوپار

پاسخی به یک شبهه فراگیر در مورد حکومت شاه: آیا محمدرضا پهلوی عرب‌ستیز بود؟!

اسلام‌ستیزی شاه را به عرب‌ستیزی تعبیر می‌کنند!

از فخرفروشی‌هایی که سلطنت‌طلب‌ها به حامیان جمهوری اسلامی دارند و حتی آن را مایه انتقاد به جمهوری اسلامی و حامیانش کرده‌اند، بحث رابطه با اعراب است. آنها معتقدند حکومت پهلوی نه تنها اعتماد به نفس بیجا به اعراب نمی‌داد که مقابل ایران گردن‌کشی کنند بلکه حتی عرب‌ستیز بود و در بسیاری موارد هم اعراب منطقه از حکومت پهلوی حساب می‌بردند! این در حالی است که جمهوری اسلامی کاری کرده که اعراب مقابل ایران جرئت و جسارت یابند. این ادعاهای سلطنت‌طلبان با نگاهی حتی ظاهری و نه عمیق و حتی بی‌نیاز از بررسی پشت پرده‌ها به راحتی رنگ می‌بازد. در واقع ادعاهای سلطنت‌طلبان و بعضاً پربازدید شدن مطالبشان در شبکه‌های اجتماعی نه حاصل قوت استدلال‌شان بلکه ناشی از کم‌کاری حامیان انقلاب اسلامی و بی‌اطلاعی توده‌هاست.

سفر محمدرضا پهلوی به عربستان

ملکه عربی دربار ایران

ازدواج مقامات جمهوری اسلامی یا فرزندانشان با اعراب چقدر می‌تواند در داخل ایران تعجب و سؤال و اعتراض برانگیزد؟ از طرفی رابطه ایران با اعراب (صرف‌نظر از لبنان و سوریه) در فاصله سال‌های ۵۷ تا ۹۵ چقدر صمیمانه بوده که چنین وصلتی را بتوان احتمال داد؟ آنچه در دو خط بالا نوشتم، حتی تصورش هم برای مردم ایران سخت است، حال برخورد سلطنت‌طلب‌ها با چنین اتفاقی چه خواهد بود، بماند. اما همین چند دهه قبل، چنین اتفاقی در ایران روی داده و در حالی که امروز عرب‌ستیزی به شعار واحد سلطنت‌طلب‌های ایرانی تبدیل شده، همسر اول محمدرضا پهلوی یک شاهزاده عرب بود؛ ملکه فوزیه؛ کسی که قرار بود مادر ولیعهد ایران باشد و اگر فرزندش پسر بود، شاه آینده ایران یک دو رگه ایرانی – عربی بود. (در آن صورت معلوم نیست تکلیف خون پاک آریایی چه می‌شد!)

جالب آنکه بر اساس اصل سی‌وهفتم متمم قانون اساسی آن زمان ایران، مادر ولیعهد الزاماً باید ایرانی‌تبار می‌بود. مجلس در اقدامی بی‌سابقه نه تنها به فوزیه تابعیت ایران داد بلکه او را ایرانی‌تبار نامید! شهناز فرزند مشترک شاه ایران و فوزیه بعد از انقلاب تابعیت مصری دریافت کرد، چون مادر او مصری بود.

از سویی دیگر، محمدرضا پهلوی علاقه داشت دخترش شهناز را که یک دو رگه ایرانی – عربی بود، به پادشاه عراق بدهد یعنی باز هم وصلت با اعراب. اما عشق میان شهناز و اردشیر زاهدی مانع آن پیوند دوباره پهلوی – عربی شد.

اعراب؛ پناهگاه پهلوی‌ها

گرچه وصلت پهلوی‌ها و عراقی‌ها اتفاق نیفتاد اما این ماجرا باعث نشد که شاه در زمان آشوب‌های منجر به کودتای ۲۸ مرداد همراه با ثریا، همسر دومش به عراق پناه نبرد. کشورهای عربی همیشه پناه خوبی برای محمدرضا پهلوی بودند. او پس از انقلاب اسلامی ۵۷ هم در نهایت به مصر پناه برد و انور سادات مصری میزبان او شد. رفیق عرب محمدرضا پهلوی برای او مراسم تشییع و تدفین برگزار کرد و مصر برای همیشه میزبان جنازه محمدرضا پهلوی شد، آنچنان که قبلاً چند سالی را میزبان جنازه رضاخان شده بود. بوسه فرح دیبا بر مزار انور سادات، نشانه قدرشناسی از این مهربانی‌هاست. اینها تازه همه آن چیزی نیست که بر عرب‌ستیزی سلطنت‌طلب‌ها خط حماقت می‌کشد...

ایران؛ عزادار ترور پادشاه سعودی

زمانی که در سال ۵۴ فیصل بن عبدالعزیز آل‌سعود معروف به ملک فیصل، پادشاه عربستان ترور شد، دربار پهلوی به صدور پیام تسلیت اکتفا نکرد و رسماً از طرف دربار هفت روز عزای عمومی اعلام شد. هفت روز عزای عمومی در ایران برای مرگ پادشاه سعودی! فقط فکر کنیم اگر جمهوری اسلامی چنین کند، سلطنت‌طلب‌ها چگونه برخورد خواهند کرد. این عزای هفت روزه یقیناً نه نشانه ستیز پهلوی با اعراب می‌توانست باشد و نه حتی حساب بردن آل‌سعود از شاه ایران، بیشتر بوی رفاقت و حتی باج دادن داشت. این طور نیست؟

در مورد از دست دادن جزیره بحرین و بخشیدن کامل اروندرود به عراق هم می‌توان گزارشی جداگانه نوشت؛ سرزمینی که برای ایران بود و حکومت پهلوی آن را نتوانست حفظ کند.

ارتش ایران؛ مدافع حکومت عمان

بگذارید به بخشی دیگر از این ماجرا نگاه کنیم. سال ۱۳۴۹ چریک‌های چپ عمان علیه حکومت پادشاهی کشورشان قیام کرده بودند و توانستند کنترل بخش‌هایی از کشور را در دست بگیرند. محمدرضا پهلوی برای کمک به رفقای عربش در عمان، در سال ۵۱ دستور اعزام واحدهای واکنش ارتش شاهنشاهی ایران همراه با ۲۰ بالگرد به عمان را به صورت محرمانه صادر کرد. خبر حضور ارتش ایران در سرکوب قیام مردم عمان چندین سال مخفیانه باقی ماند. از تعداد نیروهای اعزامی هم ارقام موثقی در دست نیست و بین ۶۰۰ تا ۴ هزار نفر برآورد شده است. آمار کشته‌شدگان هم هیچ‌گاه رسماً اعلام نشد اما برخی منابع ارتش به کشته‌شدن بیش از ۲۰۰ نفر از نیروهای ارتش شاهنشاهی ایران و مجروح‌شدن بیش از ۷۰۰ نفر اشاره دارند. (مدافعان حکومت پادشاهی عمان!) جالب آنکه صدام در یکی از بازجویی‌های سال ۲۰۰۴ در مورد ارتش شاه می‌گوید: «اگر ارتش شاه هنوز وجود داشت، ما آنها را ظرف یک ماه شکست می‌دادیم.»

اسلام‌ستیزی یا عرب‌ستیزی؟

پهلوی عرب‌ستیز نبود بلکه اسلام‌ستیزی‌اش را حامیانش، عوض از عرب‌ستیزی گرفتند. از قضا محمدرضا پهلوی با عرب‌هایی که اسلامشان امریکایی بود، رابطه خوبی داشت جمهوری اسلامی هم عرب‌ستیز نیست، اما با عرب‌ها رابطه صمیمانه هم ندارد. برای جمهوری اسلامی اسلام و وحدت جهان اسلام است که موضوعیت دارد، وگرنه نژاد ملت‌ها ملاک تنظیم روابط سیاسی دولت‌هایشان نیست. اسلام‌ستیزی پهلوی را به اشتباه عرب‌ستیزی جا می‌زنند، در حالی که پهلوی‌ها با اعرابی که غرب حامی‌شان بود، رابطه خوبی داشتند و حمایت جمهوری اسلامی از ملت‌های مسلمان را باج دادن نظام به اعراب تفسیر می‌کنند، در حالی که نه نژاد اعراب بلکه این دین‌شان است که برای جمهوری اسلامی ایران موضوعیت دارد.

■■■

سلطنت طلب آریایی! هنوز دارید شعار عرب‌ستیزی می‌دهید؟ اشکالی ندارد، فقط به این فکر کنید که حتی اگر بخواهید بر سر مزار اعلیحضرت فقیدتان بروید، باید از همین عرب‌ها ویزا بگیرید؛ ویزایی که البته با وقوع انقلاب اسلامی و تیرگی روابط ایران و مصر، به شما به عنوان یک شهروند ایرانی تعلق نخواهد گرفت.

نکته

حامد حقیقت

اندر فواید دشمنان احمق

موقعیت‌شناسی و بصیرت، از شاخصه‌های مهم هر ایرانی است؛ امری که در فراز و فرودهای گوناگون انقلاب اسلامی - بسیار جلوتر از سیاسیون - به بهترین جلوه ممکن از سوی مردم فهیم کشورمان به نمایش درآمده است. یکی از برجسته‌ترین این جلوه‌ها، راهپیمایی شکوهمند ۲۲ بهمن و جشن پیروزی انقلاب اسلامی است که هر ساله پررونق‌تر از سال قبل شاهد برپایی آن بوده‌ایم. اگرچه ملت ایران همواره براساس ویژگی‌هایی چون «تکلیف‌مداری» و «موقعیت‌شناسی» در این جشن ملی و انقلابی سنگ تمام گذاشته‌اند، اما در این میان رفتارشناسی دشمنان نادان همین ملت انقلابی در تهییج احساسات و برانگیختن غرور مقدس مردم خالی از لطف نیست. با یک بررسی ساده می‌توان دریافت که همه ساله و در آستانه سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، شاهد سلسله موضع‌گیری‌ها و رفتارهایی از سوی مسئولان امریکایی در برابر انقلاب اسلامی یا یکی از دستاوردهای مهم مردم ایران بوده‌ایم. این موضع‌گیری‌ها که گاه در لفاظی‌های بی‌منطق و گاه در ادبیات تهدید به نمایش درمی‌آید، همواره نقش فزاینده‌ای در ایجاد وحدت و انسجام ملی ایرانیان برجای می‌گذارد، به گونه‌ای که با تحریک غیرت دینی - انقلابی مردم، همه ساله زمینه حضور هرچه گسترده‌تر آنان را در همایش بزرگ ۲۲ بهمن فراهم ساخته تا پاسخ آن تهدیدها و یاوه‌سرایی‌ها را در صحنه عمل به سران جبهه استکبار یادآور شوند. موضع‌گیری‌های نسنجیده و جنجالی دونالد ترامپ رئیس‌جمهور جدید امریکا از جمله این رفتارهاست؛ شخصیت ناپخته‌ای که در کنار برخی تهدیدهای ضدایرانی، در گام اول حضورش در کاخ سفید، با انگشت نهادن بر انرژی هسته‌ای و توان موشکی به عنوان دو رکن مهم از دستاوردهای انقلاب اسلامی مردم ایران، آنچنان به تهییج احساسات مقدس و انقلابی مردم پرداخته که از همین الان می‌توان دریافت ملت آگاه و موقعیت‌شناس ما، با حضور معنادار و باشکوه خود در راهپیمایی ۲۲ بهمن، پاسخ مناسبی برای این تهدیدها و لفاظی‌ها آماده کرده‌اند. از یاد نبریم دشمنی جاهلانه بدخواهان در برابر مردم و نظام اسلامی حامل این پیام قاطع و معنادار است که انقلاب اسلامی، روند چندجانبه‌گرایی را در نظام بین‌الملل، به واقعیت مسلم و گریزناپذیر تاریخ معاصر تبدیل کرده است. به همین خاطر، دشمنان زیادی هم دارد اما «دشمن نادان» موهبت بزرگ الهی است که خداوند مهربان آن را به رایگان در اختیار نظام اسلامی قرار داده است. این نعمت بزرگ ما را یاد جمله‌ای از سیدالساجدین(ع) می‌اندازد، آنجا که فرمود: «الحمدلله الذی جعل اعدائنا من الحمقاء و الجهل...» «سپاس مخصوص خدایی است دشمنان ما را از احمق‌ها و جاهل‌ها قرار داد». شکرگزاری از این نعمت را فراموش نکنیم!

رصد

۳ نکته درباره طرح اصلاح‌طلبان برای نزدیکی به رهبری

صبح نو

روزنامه صبح‌نو در سرمقاله خود در مورد تلاش اصلاح‌طلبان برای نزدیکی به رهبری بعد از فوت هاشمی‌رفسنجانی می‌نویسد: اولاً باید دانست که چتر رهبری تاکنون بر سرهمه گروه‌ها و جریان‌های سیاسی که دل در گرو انقلاب و نظام داشته‌اند، گسترده بوده و رهبری هیچ‌گاه خود را در انحصار یک حزب یا جریان سیاسی قرار نداده‌اند، از نظر رهبری «دو جناح برای کشور مثل دو بالند که کشور با این دو بال می‌تواند پرواز کند.» نکته دوم، توجه احزاب به توقعات رهبری از گروه‌های سیاسی است که معظم‌له همواره بر پایبندی به آرمان‌های امام و انقلاب و مرزبندی با دشمن تأکید داشته‌اند. در همین باره معاون اول رئیس‌جمهور به دیداری با رهبری اشاره می‌کند که ایشان تأکید ویژه داشتند کسانی که جمهوری اسلامی را قبول ندارند، از خودتان دور کنید. نکته دیگری که در این مجال قابل اشاره است، عمل به توصیه‌ها و اندیشه‌های رهبری در عرصه‌های گوناگون خدمت و سیاست است که بهترین راه و روش برای نزدیکی به رهبری است. از نظر رهبری خدمت به مردم و مقدم دانستن خواسته آنها و رفع مشکلاتشان همواره بر تمایلات حزبی ارجح است.

■■■

تهاجم فرهنگی یا نفوذ فرهنگی؟

حمایت

شهریار زرشناس در روزنامه حمایت می‌نویسد: «برخی معتقدند جریان سکولار داخلی، از مصادیق «تهاجم فرهنگی» است اما به این دلیل که عقبه این طیف هم در برخی دانشگاه‌ها، دستگاه‌های حاکمیتی و مراکز دینی قرار دارند و به‌نوعی یک «سکولاریسم پنهان» در افکار و رفتارشان شکل گرفته، آن را باید مصداق «نفوذ فرهنگی» به شمار آورد. از سوی دیگر، بخش عمده‌ای از مدعیان جریان اصلاحات در کشور ما، نماینده واقعی و آشکار سکولاریسم است که متأسفانه با همراهی مقامات رده‌بالای اجرایی آن دوره، پایه‌های ضعیف شده این نحله فکری را تقویت کردند. آنها هیچ‌وقت صراحتاً از سکولاریسم دفاع نمی‌کنند، ولی نوعی سکولاریسم پنهان در افکارشان موج می‌زند و فرآیندی را که برای تکامل فرهنگی و اجتماعی تعریف می‌کنند، همان توسعه غربی است که هم رشد آن تفکر و هم ساختارهای متناسب با آن را در پی دارد.

تفکر سکولار به جامانده از آن دوران، در برخی مسئولان نیز نهادینه شده و به تعبیر رهبر حکیم انقلاب، حتی بدون اینکه خود بدانند، عامل نفوذ دشمن هستند. تحلیل سکولارهای غرب‌گرا این است که باید انقلاب اسلامی را بین یک دو راهی قرار دهند: انقلاب سکولار و انقلاب خشن که قرائت سومی برای آن متصور نباشد اما شکست الگوهای منطقه‌ای حاکمیت سکولاریسم مانند ترکیه، بار دیگر ثابت کرد که نسخه موفق و سومی از انقلاب وجود دارد که عبارت است از «انقلاب اسلامی». بی‌شک انقلاب اسلامی یک مدل موفق حکومتی است و غرب در حال شکست، به اذعان کارشناسان و نظریه‌پردازان اروپایی، یک الگوی ناکارآمد در حوزه‌های اخلاقی و نظری و حتی اقتصادی است. ما در شرایطی قرار داریم که جریان خطرناکی، برای انکار وجهه فرهنگی و نفوذ به منظور دین‌زدایی از ارکان انقلاب اسلامی کمربسته و تلاش می‌کند پیشرفت کشور را در پذیرش فرهنگ اومانیستی و سکولار تفسیر کند اما شکی نیست که مسیر تأمین دین و دنیا و عزت و سربلندی کشور جز با رجوع به آرمان‌های انقلابی در تمام ابعاد، از هیچ راه دیگری میسر نمی‌شود.»

■■■

کاسبی دولت با شبح جنگ

کیهان

روزنامه کیهان در یادداشتی به تحلیل سخنان رئیس‌جمهور می‌پردازد: «اردیبهشت ۹۲ (یک ماه مانده تا انتخابات ریاست جمهوری) یک نامزد انتخاباتی در جمع دانشجویان صنعتی شریف گفت: «اروپایی‌ها آقا اجازه هستند و امریکا کدخداست؛ بستن با کدخدا راحت‌تر است». همان سیاستمدار، مرداد امسال در مراسم پنجاهمین سالگرد تأسیس شرکت گاز، سخنانی را گفت که سایت رسمی ریاست جمهوری مجبور به حذف آن از متن شد، مبنی بر اینکه «نباید مقابل قدرت‌های بزرگ ایستاد، با شعارهایی که بعضاً توخالی هم هست». خب! وقتی انواعی از این سخنان از یک دولتمرد صادر می‌شود و تکیه بر «بزرگنمایی حریف- ضعیف‌نمایی خود» دارد، چرا از جان کری وزیر خارجه (وقت) تا جان برنان رئیس سازمان سیا، نگران سرنوشت همین فرد در انتخابات و غیر آن نباشند و همین را علناً اظهار نکنند؟ هرچند در اردیبهشت ۹۲ گفته شد «اروپایی‌ها» آقا اجازه هستند، اما به تدریج معلوم شد کسانی در داخل ایران، به کسب اجازه از کدخدا باور دارند... اما تلخ‌تر از خود این روند، اظهارات چهارشنبه گذشته همان دولتمرد در همایش روز ملی فناوری بود مبنی بر اینکه «می‌شود در مسائل غیرهسته‌ای هم مذاکره کرد!»

دولتمردی که به ترامپ- و نه اوباما- پالس می‌فرستد و می‌گوید «می‌توانیم در مسائل غیرهسته‌ای هم مذاکره کنیم»، قرار است این بار چه چیزی را در مقابل «عایدی تقریباً هیچ» بفروشد و به قول رادیو فرانسه بر سر حقوق ملی معامله کند، برنامه موشکی و نظامی یا متحدان قدرت‌افزای ایران در منطقه؟ سؤال مهم‌تر! چرا دشمن در چارچوب عملیات روانی و جنگ نرم، تک‌تک منابع قدرت ملی را اسباب مزاحمت و دردسر برای ما جا می‌زند و کسانی هم در داخل پیدا می‌شوند که بگویند بهره‌مندی از قبیل این منابع، ماجراجویی و هزینه تراشیدن برای کشور است یا دست‌کم بر سر این منابع می‌شود معامله «تانک بده- کلاشنیکف بگیر!» را تکرار کرد؟ آیا بدون وجود این ایستگاه‌های تقویت فشار حریف در داخل، فرستنده آن امواج عملیات روانی موضوعیت پیدا می‌کرد؟ همین جا به یک واقعیت تلخ دیگر می‌رسیم و آن اینکه به معنای واقعی کلمه در کشور «کاسب تحریم و تهدید» داریم که به جای سینه سپر کردن مقابل دشمن، تهدیدهای اقتصادی و نظامی او را برای ملت و حاکمیت خود فاکتور می‌کند و مردم را در انتخابات می‌ترساند تا از طریق این ارعاب بتواند صورت مسئله مطالبه (ارائه کارنامه چهار سال حضور در دولت و تحمیل هزینه‌های بزرگ به کشور) را عوض کند؛ کاسبی با کابوس شبح جنگ، پس از کاسبی با رؤیای موهوم رونق اقتصادی!»